

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

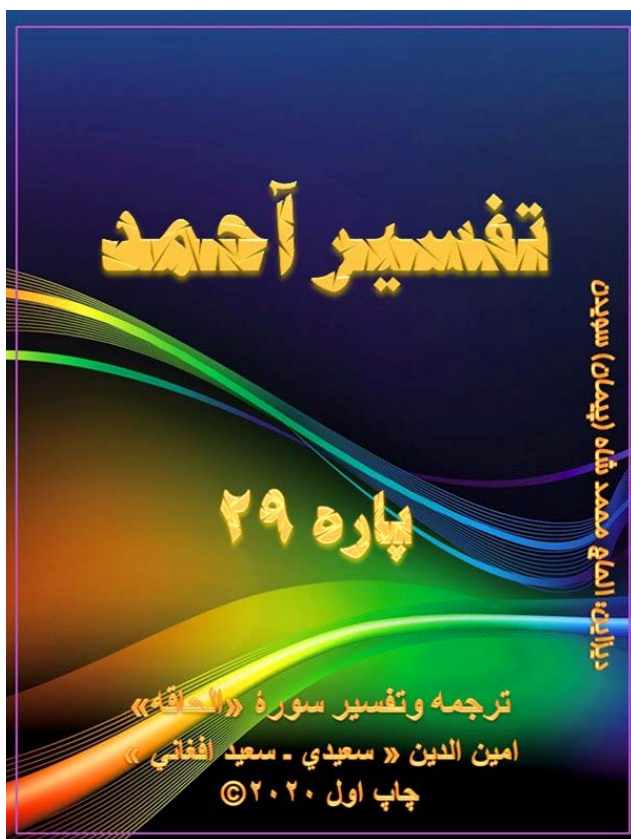
الحاج داکتر امین الدین "سعیدی-سعیدافغانی"

۰۶ نومبر ۲۰۲۰

بسم الله الرحمن الرحيم

سورة الحاقه

۲



عذاب الهی بر اقوام منحرف و یاغی:

در حدود یک چهارم و به تعریف دیگر یک ششم از قرآن عظیم الشأن در قالب داستان و قصص به حال و احوال و قصه های اقوام پیشین پرداخته، وطی قصه بیان داشته است که این اقوام چگونه به عذاب الهی به علت بغاوت و نافرمانی مواجه شده اند.

در سوره های مختلفی از نحوه هلاکت آنان بیانی به عمل آمده است و علت این که این اقوام در چه حالت زمانی (در شب و یا روز، صبح و یا شام) هلاک و تعذیب شده اند:

از جمله در (آیت ۹۷ سوره اعراف) می فرماید: «أَفَأَمِّنَ أَهْلَ الْقَرْيَةِ أَنْ يَأْتِيَهُمْ بَأْسُنَا بَيَاتًا وَهُمْ نَائِمُونَ» (آیا نزد اهل قریه‌ها امنیتی از این هست که به آنها عذاب الله در حالتی که در شب خوابند فرا نرسد در حالی که به پروردگار خویش کفر ورزیده و پیامبران را تکذیب نموده‌اند؟).

همچنان در آیت ۹۸ سوره اعراف می فرماید: «أَوْ أَمِنَ أَهْلَ الْقَرْيَةِ أَنْ يَأْتِيَهُمْ بَأْسُنَا ضُحًى وَهُمْ يُلْعَبُونَ» (آیا نزد آنها امنیتی از این هست که عذاب به سراغ آن‌ها در حالی نیاید که آنها چاشنگاه در غفلت لهو و لعب خویش به سر می برند و غرق دنیای خویش‌اند؟)

و یا هم در آیت ۹۹ سوره اعراف می فرماید: «أَفَأَمِنُوا مَكَرَ اللَّهِ فَلَا يَأْمَنُ مَكَرَ اللَّهِ إِلَّا الْفُؤَامُ الْخَسِرُونَ» (آیا آنها خود را از مکر الهی در امان می دانند؟! در حالی که جز زیانکاران، خود را از مکر و مجازات خدا در امان نمی دانند!) خواننده محترم!

در تاریخ دیده شده است که غرق شدن قوم نوح در روز روشن صورت گرفت، طوری که در (آیت ۶۴ سوره اعراف) می فرماید: «فَكَذَّبُوهُ فَأَنْجَيْنَاهُ وَالَّذِينَ مَعَهُ فِي الْفُلِّ وَأَعْرَفْنَا الَّذِينَ كَذَّبُوا بِآيَاتِنَا إِنَّهُمْ كَانُوا قَوْمًا عَمِينَ» (ولی آنها به آیات الله کافر شده و پیامبرش نوح را تکذیب کردند، پس خداوند او و مؤمنان همراه او را با کشتی نجات داد) ولی بر کافران قوم او طوفان فرستاد چون آیات الله تعالی را تکذیب نموده و از خدای یگانه نافرمانی کردند در حالی که ببینش و بصیرت آن‌ها کور شده بود و دریچه‌های قلب‌هایشان مسدود شد و فطرت آن‌ها از حق و سماع نصیحت منحرف گردید.

عذاب شبانه که همان زلزله شدید است، در شب بالای قوم ثمود نازل شد طوری که می فرماید: «فَأَخَذَتْهُمُ الرَّجْفَةُ فَأَصْبَحُوا فِي دَارِهِمْ جُثَمِينَ» (آیت ۷۸ سوره اعراف) (الله تعالی زلزله شدیدی بر آنها فرستاد که نابود و هلاکشان ساخت و ارواح شان را گرفت و همه مردند و تبدیل به جثه‌های بی‌حرکت شدند که زندگی ندارد.

و یا هم باران سنگ که بالای قوم لوط نازل شد. طوری که می فرماید «وَأَمْطَرْنَا عَلَيْهِمْ مَطَرًا فَأَنْظَرُ كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الْمُجْرِمِينَ» (آیت ۸۴ سوره اعراف) (خدای متعال بر آن‌ها از سنگ‌های داغ، پی‌درپی و سخت بارید و این بارش سنگ آنها را متلاشی ساخت و هلاک کرد، پس تو تفکر کن که عاقبت کسانی که معاصی و گناه انجام می دهند و امور فحشاء را کوچک می شمارند، چگونه است.

و یا هم زکری از زلزله قوم مدین (شعیب) که در آیت ۹۱ سوره اعراف بدان اشاره شده «فَأَخَذَتْهُمُ الرَّجْفَةُ فَأَصْبَحُوا فِي دَارِهِمْ جُثَمِينَ» (خدای تعالی بر آن‌ها زلزله شدیدی را به سبب کفرشان فرستاد و آنها در پی آن مردگان افتاده بر روی در خانه های خود شدند.

سَخَّرَهَا عَلَيْهِمْ سَبْعَ لَيَالٍ وَ ثَمْنِيَةَ أَيَّامٍ حُسُومًا فَتَرَى الْقَوْمَ فِيهَا صَرْعَى كَأَنَّهُمْ أُعْجَازُ نَخْلٍ خَاوِيَةٍ تَسْخِيرِ بَادِ صَرْصَرٍ بَرِ قَوْمٍ عَادٍ بِهَ مَعْنَى مَسْلُطٍ كَرْدِنِ أَنْ بَرِ أَنْانِ اسْتِ.

کلمه «حسوم» جمع حاسم است،

کلمه «شهود» جمع شاهد است،

و حاسم از ماده «حسم» است، که به معنای داغ کردن مکرر چند بار پشت سر هم است. این کلمه صفت است برای کلمه «سبع»، و جمله چنین معنی می دهد: باد صرصر (عاصفه. باد تند. باد سخت. باد شدید. تندباد) را در هفت شب و هشت روز پشت سر هم بر آنان مسلط کرد و کلمه «صرعی» جمع صریع (به خاک افتاده) است،

و کلمه «اعجاز - «با فتحه همزه - جمع» عجز - «با فتحه عین و ضمه جیم - (آخر و دنباله هر چیز) است، و کلمه «خاویه» به معنای چیز میان خالی است که آن را دور انداخته باشند، که معنای آیت این است که خداوند متعال باد صرصر را در هفت شب و هشت روز مسلسل و پی در پی بر آنان مسلط کرد و اگر تو می بودی آن مردم را می دیدی که مانند ریشه های میان خالی درخت خرما به زمین افتاده اند.

فَهَلْ تَرَى لَهُمْ مِنْ بَاقِيَةٍ (۸)

آیا کسی از آنان را باقی مانده می بینی؟! (۸)

«بَاقِيَةٍ» باقیمانده.

بعد از این که قوم عاد به هلاکت فراگیر به اثرگناه انکار از قیامت مواجه شد و کسی از آنان زنده و نسلی از آنان باقی نماند، بلکه همه نابود شدند. و ضمیر «لهم» در آیت متبرکه که به مجموع قوم ثمود و عاد بازگردد. فحوای این آیت متبرکه که سرگذشت اقوام پیشین از جمله عاد و ثمود را که به اثر تکذیب پیامبران خویش مورد غضب و سرزنش و در نهایت به نابودی کامل مواجه شده اند، مطالعه و از آن عبرت بگیریم.

وَجَاءَ فِرْعَوْنُ وَمَنْ قَبْلَهُ وَالْمُؤْتَفِكَاتُ بِالْخَاطِئَةِ (۹)

و فرعون و کسانی که پیش از او بودند و همچنین اهالی شهرهای ویران شده (قوم لوط) مرتکب گناهان بزرگ و نافرمانی شدند. (۹)

«جَاءَ... بِالْخَاطِئَةِ»: مرتکب گناه شدند.

«الْمُؤْتَفِكَاتُ»: جمع مُؤْتَفِكَةٌ، شهرها و آبادیهای تخریب شده (سوره: توبه و نجم).

در اینجا هدف قوم لوط که مردم بدکردار و خطاء پیشه بودند.

«الْمُؤْتَفِكَاتُ» به طور جمع استعمال شده، در این باره مفسران می فرمایند که این شهرها مربوط قوم لوط بوده است.

البته قوم لوط در چندین منطقه زندگی می کردند و همه شان هلاک شدند.

«الْخَاطِئَةُ»: که خطاء کار بودند. (کفر ورزیدند، شرک نمودند و دست به ظلم و فساد زدند).

فَعَصَوْا رَسُولَ رَبِّهِمْ فَأَخَذَهُمُ أَخَذَةَ رَبِّيَّةَ (۱۰)

زیرا آنان از (فرمان) فرستاده پروردگارشان نافرمانی کردند، و الله ایشان را به سختی گرفت (۱۰)

هر یک از این اقوام به نافرمانی و تکذیب با فرستاده رسول پروردگارشان پرداختند و آنان را اذیت کردند. در نهایت الله تعالی آنان را به عقوبت و عذابی سختی گرفتار ساخت.

«رَبِّيَّةً» «سخت، فراوان».

«أَخَذَهُ رَبِّيَّةً» قهر و غضب الهی شدید است.

«فَعَصَوْا رَسُولَ رَبِّهِمْ» اطاعت از پیامبران الهی واجب است، نافرمانی و بغاوت و مخالفت از هدایت شان سبب نابودی است.

«رَبِّيَّهُمْ فَأَخَذَهُمُ أَخَذَةَ رَبِّيَّةً» نباید فراموش کرد که نافرمانی از انبیاء جزا های دنیوی را همراه می باشد.

حکمت الهی همین است که پروردگار اِتمام حُجَّتِ می کند، در قدم اول پیامبر می فرستد، اگر مردم از هدایت وی نافرمانی کنند، آنان را با قهر و غضب خویش گرفتار می سازد.

کلام پیامبر کلام وحی است

قرآن عظیم الشان با صراحت تام می فرماید: کلام پیامبر برگرفته از وحی الهی است و اگر حالتی پیش آید که پیامبر حرفی مخالف با واقعیت شرعی از او سرزند بلافاصله وحی او را تصحیح می کند. هیچ فرقی بین مصدر قرآن و سنت الهی نیست، باید به آن عمل نمائیم و اساس و بنیاد شریعت اسلامی بر هردو بنا یافته است. قرآن عظیم الشان در (آیات ۴-۱ سوره النجم) می فرماید: «وَالنَّجْمِ إِذَا هَوَىٰ، مَا ضَلَّ صَاحِبُكُمْ وَمَا غَوَىٰ، وَمَا يَنْطِقُ عَنِ الْهَوَىٰ، إِنْ هُوَ إِلَّا وَحْيٌ يُوحَىٰ» «قسم به ستاره چون فرود آید، که صاحب شما (محمد مصطفی صلی الله علیه وسلم) هیچ گاه در ضلالت و گمراهی نبوده است، و هرگز به هوای نفس سخن نمی گوید، سخن او هیچ غیر وحی خدا نیست».

و باز می فرماید: «إِنْ أَتَيْتُمْ إِلَّا مَا يُوحَىٰ إِلَيْكُمْ» (سوره الأنعام: ۵۰) «من پیروی نمی کنم جز آنچه را که به من وحی می رسد».

و در آیت (۱۱۳ سوره النساء) می فرماید: «...وَأَنْزَلَ اللَّهُ عَلَيْكَ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ وَعَلَّمَكَ مَا لَمْ تَكُن تَعْلَمُ وَكَانَ فَضْلُ اللَّهِ عَلَيْكَ عَظِيمًا» «و خدا به تو این کتاب و حکمت (سنت) را عطا کرده و آنچه را که نمی دانستی به تو بیاموخت، و خدا را با تو لطف عظیم و عنایت بی اندازه است».

اطاعت از سنت رسول الله صلی الله علیه وسلم شرط ایمان است!

قرآن عظیم الشان اطاعت از سنت رسول الله صلی الله علیه وسلم را یکی از ارکان و پایه های اساسی ایمان بر شمرده است. قبول هر آنچه از پیامبر اسلام محمد صلی الله علیه وسلم آمده، دلیلی است بر صحت ایمان، در غیر این صورت ایمان شخص ناتمام است. درست چون کسی که نیمی از شهادت «أشهد أن لا إله إلا الله» را بپذیرد و از نیم دیگر آن که «أشهد أن محمداً عبده و رسوله» باشد چشم پوشی و انکار نماید.

قرآن عظیم الشان در (آیت ۶۵ سوره النساء) می فرماید: «فَلَا وَرَبِّكَ لَا يُؤْمِنُونَ حَتَّىٰ يُحَكِّمُوكَ فِيمَا شَجَرَ بَيْنَهُمْ ثُمَّ لَا يَجِدُوا فِي أَنفُسِهِمْ حَرَجًا مِّمَّا قَضَيْتَ وَيُسَلِّمُوا تَسْلِيمًا» «به پروردگارت قسم که آنان مؤمن نخواهند بود، مگر آن که تو را در آنچه میان خود نزاع و اختلاف دارند به داوری بپذیرند؛ سپس از حکمی که کرده اید در وجودشان هیچ دل تنگی و ناخشنودی احساس نکنند، و به طور کامل تسلیم شوند».

در (آیت ۵۹ سوره النساء) می فرماید: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا أَطِيعُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ وَأُولِي الْأَمْرِ مِنْكُمْ فَإِن تَنَزَعْتُمْ فِي شَيْءٍ فَرُدُّوهُ إِلَى اللَّهِ وَالرَّسُولِ إِن كُنتُمْ تُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ ذَلِكَ خَيْرٌ وَأَحْسَنُ تَأْوِيلًا ۝۵۹». «ای اهل ایمان! از خدا اطاعت کنید و نیز از پیامبر اطاعت کنید، و همچنین از صاحبان امر خودتان. و اگر درباره چیزی نزاع داشتید، آن را [برای فیصله یافتنش] اگر به خدا و روز قیامت ایمان دارید، به خدا و پیامبر ارجاع دهید؛ این [ارجاع دادن] برای شما بهتر و از نظر عاقبت نیکوتر است».

اطاعت از پیامبر اطاعت از الله ست!

در قرآن عظیم الشان در بیش از ۵۰ آیت با تمام صراحت به مؤمنان دستور داده شده است تا از الله تعالی و از پیامبرش اطاعت و پیروی کنند، قرآن عظیم الشان در (آیت ۸۰ سوره النساء) می فرماید: «مَنْ يُطِعِ الرَّسُولَ فَقَدْ أَطَاعَ اللَّهَ وَمَنْ تَوَلَّىٰ فَمَا أَرْسَلْنَاكَ عَلَيْهِمْ حَفِيظًا»

«هر که از پیامبر اطاعت کند، در حقیقت از خدا اطاعت کرده و هر که روی برتابد [حسابش با ماست]. ما تو را بر آنان نگهبان [اعمالشان که به طور اجبار از فسق و فجور حفظشان کنی] نفرستادیم».

همچنان در (آیت ۵۹ سوره النساء) می فرماید «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا أَطِيعُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ وَأُولِي الْأَمْرِ مِنْكُمْ» «ای اهل ایمان! از خدا اطاعت کنید و نیز از پیامبر اطاعت کنید. و همچنین از صاحبان امر خودتان...».

مفسر کبیر جهان اسلام ابن کثیر می فرماید: اطاعت از پیامبر صلی الله علیه وسلم همان پیروی از سنت اوست.

انکار از سنت موجب غضب الهی است:

قرآن عظیم الشان بغاوت و سرپیچی از دستورات و فرامین و سنت رسول الله صلی الله علیه وسلم را موجب خشم و عقاب الهی برمی شمرد، طوری که در (آیت ۶۳ سوره النور) می فرماید: «لَا تَجْعَلُوا دُعَاءَ الرَّسُولِ بَيْنَكُمْ كَدُعَاءِ بَعْضِكُمْ بَعْضًا قَدْ يَعْلَمُ اللَّهُ الَّذِينَ يَسْتَلُونُ مِنْكُمْ لَوْ اذًا فَلْيَحْذَرِ الَّذِينَ يُخَالِفُونَ عَنْ أَمْرِهِ أَنْ تُصِيبَهُمْ فِتْنَةٌ أَوْ يُصِيبَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ» «دعوت پیامبر را در میان خود مانند دعوت بعضی از شما از بعضی دیگر قرار ندهید، خدا کسانی از شما را که برای

(بی‌اعتنائی به دعوت پیامبر) با پنهان شدن پشت سر دیگران آهسته از نزد او بیرون می‌روند می‌شناسد. پس باید کسانی که از فرمانش سرپیچی می‌کنند، برحذر باشند از این که بلائی در دنیا یا عذابی دردناک در آخرت به ایشان رسد». و باز می‌فرماید: «مَنْ يُطِعِ الرَّسُولَ فَقَدْ أَطَاعَ اللَّهَ وَمَنْ تَوَلَّىٰ فَمَا أَرْسَلْنَاكَ عَلَيْهِمْ حَفِيظًا» (آیت ۸۰، سوره النساء) «هر که از پیامبر اطاعت کند، در حقیقت از خدا اطاعت کرده و هر که روی برتابد حسابش با ماست. ما تو را بر آنان نگهبان [اعمالشان که به طور اجبار از فسق و فجور حفظشان کنی] نفرستادیم».

إِنَّا لَمَّا طَغَى الْمَاءُ حَمَلْنَاكُمْ فِي الْجَارِيَةِ (۱۱)

ما وقتی که آب طغیان کرد شما را بر کشتی سوار نمودیم. (۱۱)
در این آیت مبارکه پروردگاریا عظمت ما به داستان نوح اشاره می‌فرماید: طوری که (در زمان نوح) چون (با اراده و قهر) ما آب طغیان کرد شما را در آن کشتی روان کردیم.
نوح علیه السلام یکی از پیامبران ادیان ابراهیمی است که زندگی نامه اش در تورات، انجیل و قرآن عظیم الشان ذکر شده است. نام نوح علیه السلام تقریباً در بیشتر از چهل بار در قرآن عظیم الشان به خصوص در شش سوره به طور مفصل و تفصیلی بیان شده است که از آنجمله می‌توان از: (سورهای اعراف- هود- مؤمنون- شعراء- قمر- نوح) نام برد ولی مهمترین بخش داستان نوح در سوره هود آمده است که در بیست و پنج آیت یعنی از آیت ۲۵ تا ۴۹ ادامه دارد.
در زمان نوح علیه السلام فساد و بت پرستی به اوج خود رسیده بود، و مردم از دین توحید و از سنت عدالت اجتماعی رویگردان شده بودند. در همین زمان بود که نوح علیه السلام را الله تعالی با «صحیفه ابراهیم» و شریعتی به سوی آنان گسیل داشت.

نوح علیه السلام به هر اندازه ای که به دعوت خویش شدت داد، بغاوت و تمرد قومش در برابر دعوتش بیشتر شد، به جز عده‌ای کمی کسی دیگری به او ایمان نیاوردند. بعد از این استنصار خدای متعالی به وی وحی کرد که از قومش به جز آن چند نفری که ایمان آورده اند، احدی ایمان نمی‌آورد، و آن جناب را در باره قومش تسلیت گفت و دلگرمی داد، به طوری که از فحواى آیات سوره نوح بر می‌آید، نوح علیه السلام قوم خود را به هلاکت و نابودی نفرین کرد و از خدای متعالی خواست تا زمین را از لوٹ وجود همه آنان پاک کرده و احدی از آنان را زنده نگذارد.
بعد از این که حضرت نوح علیه السلام قوم خود را نفرین کرد، مطابق آیات سوره هود، وحی الهی بر نوح علیه السلام نازل و مأمور بر ساختن کشتی می‌گردد.

طوری که از فحواى سوره هود و مؤمنون معلوم می‌شود، نوح علیه السلام مطابق فرمان الهی، مشغول ساختن کشتی می‌شود. سپس این که کشتی به امر پروردگار به پایه‌ی اكمال رسید، در اینجا است که امر نزول عذاب الهی صادر شد. در این هنگام الله متعالی به نوح علیه السلام وحی فرستاد که از هر حیوان يك جفت (نر و ماده) سوار کشتی کند و نیز اهل خود را به جز اشخاصی که مقدر شده بود هلاک شوند، یعنی همسرش که خیانت کار بود و فرزندش که از سوار شدن در کشتی امتناع ورزیده بود و نیز همه آنهاى که ایمان آورده بودند، سوار کند.

و از فحواى سوره قمر بر می‌آید، همین که آنها در کشتی سوار شدند، الله متعالی درهای آسمان را به آبی ریزان باز کرد، و زمین را به صورت چشمه‌های جوشان بشکافت، آب بالا و پائین برای تحقق شدن امری که مقدر شده بود دست به دست هم دادند.

همچنان از فحواى سوره هود فهمیده می‌شود که اندازه‌ی آب لحظه به لحظه زیاد شده می‌رفت، که در نتیجه کشتی را از زمین به حرکت در آورد. طوفان همه مردم روی زمین را فرا گرفت و همه را در حالی که ستمگر بودند هلاک کرد.

ادامه دارد